

10427-37
1.ECV-PL

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 10427

Date of filing: 16 march 88

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 16 march 88
_____ pages in English 16 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان دآوری دعاری ایران - ایالات متحده

AWARD

Case No. 10427

Chamber Two

پرونده شماره ۱۰۴۲۷

شعبه دو

حکم شماره ۲-۱۰۴۲۷-۳۵۴

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دعاری ایالات متحده
FILED - ثبت	
Date	16 MAR 1988 ۱۳۶۶ / ۱۲ / ۲۶
No.	10427

کترین فی هیلت،

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، مطروح توسط

ایالات متحده امریکا،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران، و

دانشگاه شهید چمران (سابقاً" دانشگاه جندی شاپور)"

خواندگان.



حکم

حاضران

از طرف خواهان: خانم ج. اف. بارت،

وکیل - مشاور،

وزارت امور خارجه

خانم مری بت وست،

وکیل - مشاور،

وزارت امور خارجه

خانم کترین اف. هیلت،

خواهان

آقای مایکل رابوین،

قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

از طرف خوانندگان : آقای محمد کریم اشراق،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای مصطفی درچهزاده،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای مرتضی روحی پور،

دستیار مشاور حقوقی.

سایر حاضران: آقای تیموتی ریمیش،

نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

اول - مقدمه

۱ - در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ایالات متحده آمریکا دادخواستی به ثبت رسانید که حاوی ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا متعلق به کترین فی هیلت ("خواهان") علیه جمهوری اسلامی ایران و به ویژه دانشگاه جندی شاپور بود که اکنون موسوم به دانشگاه شهید چمران واقع در اهواز، ایران، است ("خوانده" یا "دانشگاه"). خواهان خساراتی به مبلغ ۱۱،۳۷۴ دلار (به اضافه بهره و هزینه های دادرسی) بابت نقض ادعایی قرارداد استخدامی خود توسط دانشگاه و نیز بابت از دست دادن اموال شخصی، که به گفته وی به دلیل اخراج غیرقانونی وی از ایران به وقوع پیوسته است، مطالبه می کند. خوانده وجود هر نوع قرارداد با خواهان یا مسئولیت در قبال هرگونه خسارات وارده به خواهان به دلیل خروج وی از ایران را، انکار می کند. جلسه استماعی در پرونده حاضر در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۱۳۶۶ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۷] تشکیل شد.

دوم - واقعیات

۲ - در ماه مه ۱۹۷۸، خواهان در پاسخ به آگهی مندرج در روزنامه نیویورک تایمز، درخواستی برای شغل استادیاری دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه ارسال نمود. در ۱۶ خرداد ماه ۱۳۵۷ [ششم ژوئن ۱۹۷۸] خانم هیلت تلگرامی از آقای جانسنز، رئیس دانشکده دریافت کرد که حاوی پیشنهاد یکسال تدریس با حقوق و مزایای ماهانه به مبلغ کل ۱۳۶،۵۰۰ ریال بود (مشروط بر آنکه خواهان دوره دکتری را که در مراحل آخر آن بود، با موفقیت به اتمام رساند). تلگرام قبولی خواهان کمی بعد [از این تاریخ] در [همان] ماه ژوئن ۱۹۷۸ ارسال شد. پیرو آن، در ۲۸ تیر ماه ۱۳۵۷ [۱۹ ژوئیه ۱۹۷۸] خواهان نامه ای از شخصی به نام آقای مهدوی، معاون دانشگاه دریافت کرد که ضمن تأیید تلگرام رئیس دانشکده، به خواهان اطلاع می داد که

دانشگاه ترتیبات مقتضی برای مسافرت وی از ایالات متحده به ایران خواهد داد. خانم هیلت اظهار می دارد که در خلال این مدت، وی پیشنهاد استخدام دانشگاه دیگری را رد کرد.

۳ - ابتدا قرار بود که خانم هیلت در پایان ماه اوت به ایران سفر کرده و از دهم شهریور ماه ۱۳۵۷ [اول سپتامبر ۱۹۷۸] کار خود را شروع نماید. ولی جریان وقایع طوری شد که خانم هیلت مجبور شد تا ۲۱ شهریور ماه ۱۳۵۷ [۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸] یعنی تا روز دفاع از رساله دکتری خود در ایالات متحده باقی بماند. این امر مشکلی برای دانشگاه ایجاد نمی کرد زیرا کلاسها تا ماه اکتبر شروع نمی شد. در نتیجه تاریخ جدیدی برای عزیمت و شروع استخدام خانم هیلت معین گردید که ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸] بود.

۴ - خانم هیلت مقدمات عزیمت خود را در این تاریخ فراهم و منجمه آپارتمان خود را تخلیه نمود ولی بلیط هوایی وی واصل نگردید. وی در این زمینه استفسار کرد و رئیس دانشکده، ظاهراً در پاسخ به استفسار نامبرده، تلگرامی برای اطمینان خاطر وی بشرح زیر در ۱۷ شهریور ماه ۱۳۶۶ [هشتم سپتامبر ۱۹۸۷] مخابره نمود:

"استخدام [شما] قطعی شده است. بلیطها تاخیر دارد ولی بزودی واصل خواهد شد. جانسنز."

چنین پیداست که دلیل تاخیر در ارسال بلیطهایی که وعده آن داده شده بود، بروز اختلال در فعالیتهای معمول بازرگانی، تجاری و کارهای دولتی بود که مقامات ایرانی در آن دوران با آن روبرو بودند. بالاخره در ۲۴ مهر ماه ۱۳۵۷ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۸] بلیطهای هوایی واصل گردید و خواهان در ۲۷ مهر ماه ۱۳۵۷ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۸] وارد ایران شد. خانم هیلت اظهار می دارد که از ۲۲ شهریور ماه تا ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر تا ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸] کاملاً آماده تصدی شغل و شروع

بکار بوده و اگر تاخیر دانشگاه در ارسال بلیط نبود، کار خود را شروع می کرد.

۵ - حدود چهار هفته پس از ورود خواهان به دانشگاه، کارت شناسایی به تاریخ ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۷ [۲۰ نوامبر ۱۹۷۸] که وی را عضو استخدام شده دانشکده زبانهای خارجی معرفی می نمود، صادر گردید.

۶ - ورود خواهان به اهواز مصادف با دوران اعتصابات دانشجویی و اختلال روز افزون در برنامه آموزشی دانشگاه گردید. ظاهراً مقامات دانشگاه برای اینکه اوضاع را عادی وانمود کنند به استادان دستور دادند که کار تدریس را برای دانشجویانی که در کلاس حضور می یابند، ادامه دهند و در جلسات اساتید دانشکده شرکت جویند. خانم هیلت اظهار می دارد که در این مدت برای دانشجویانی که حضور می یافتند، کلاس تشکیل می داده و خود را با برنامه درسی دانشکده آشنا می کرده و اوقات اداری را رعایت می نموده است. همچنین در جلسات دانشکده نیز حضور می یافت و رئیس دانشکده در خلال یکی از این جلسات به کادر آموزشی اطلاع داد که وزارت آموزش [عالی]، ۲۵٪ اضافه حقوق به کادر آموزشی دانشگاه اعطا کرده است.

۷ - ورود خانم هیلت به ایران و فعالیتهای دانشگاهی وی بدون عقد قرارداد رسمی انجام گرفت. چگونگی امر استخدام در بروشور استخدامی که دانشگاه در تابستان ۱۹۷۸ قبل از عزیمت خانم هیلت از ایالات متحده برای وی ارسال کرده بود، تشریح شده بود و بخشی از آن به شرح زیر است:

قرارداد (استخدامی) برای دوازده ماه بوده و با تراضی طرفین قابل تمدید است. نظر به اینکه قراردادها از وزارت آموزش [عالی] در تهران ارسال می گردد، اغلب تا مدتها پس از شروع سال تحصیلی به امضاء نمی رسند. معهداً، توافقیهای صریح موقت همواره به عمل می آید تا حقوق تضمین شده از آغاز پرداخت شود... حقوق در دوازده قسط مساوی پرداخت می شود. برای استادان جدید و خانواده آنها بلیط درجه ۲ هوایی به مقصد ایران مجاناً صادر می شود... پس از

حداقل دو سال خدمت، عین همین هزینه برای بازگشت اساتید پرداخت می گردد.

۸ - مضافاً، رئیس دانشکده در مورد لزوم گرفتن پروانه کار، خانم هیلت را راهنمایی کرده بود. در نامه مورخ نهم تیر ماه ۱۳۵۷ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۸] رئیس دانشکده، مراتب زیر به خانم هیلت اطلاع داده شد:

برای ویزا: فقط ترتیبی بدهید که برای شما یک ویزای توریستی (سه ماهه) صادر کنند: بعد می توانید آن ویزا را در اینجا به مدت سه ماه دیگر تمدید کنید که به دایره خدمات (دانشگاه) فرصت می دهد که اجازه استخدام و مدارک اقامت شما را بگیرند... در واقع، ما افراد را ملزم نمی کنیم که پروانه کار داشته باشند...

چنین بنظر می رسد که دانشگاه پس از تصویب قرارداد رسمی که معمولاً مدتها بعد از شروع اشتغال به تدریس انجام می گرفت، از طرف کارمندان تازه وارد برای دریافت پروانه کار اقدام می نمود.

۹ - خواهان در ابتدای دسامبر ۱۹۷۸ برای تعطیلات ده روزه به قبرس رفت. در بازگشت به ایران، اوضاع دانشگاه و اوضاع اهواز با گسترش اوضاع انقلابی در سراسر کشور، به وخامت گرائید. خانم هیلت، که نگران امنیت خود شده بود، به منزل دوستان نقل مکان کرد ولی تماس خود را با همکارانش حفظ نمود. وی اظهار می دارد که در پایان دسامبر، آقای سایفر، رئیس بخش زبان انگلیسی، به وی اطلاع داد که دانشگاه به مدت نامعلومی تعطیل شده و توصیه کرد که کشور را ترک کند.

۱۰ - خواهان در ۱۵ دی ماه ۱۳۵۷ [پنجم ژانویه ۱۹۷۹] با پروازی که از طرف یک شرکت خصوصی امریکایی برای تخلیه [خارجیان] ترتیب داده شده بود، ایران را ترک

کرد. ظاهراً" مسافران حق داشتند فقط دو جامه‌دان با خود در هواپیما داشته باشند و در نتیجه خانم هیلت اغلب لوازم شخصی خود را بجای گذارد که بابت آنها ۲۰۰۰ دلار امریکا خسارت مطالبه می‌کند. مقصد اولیه وی بحرین بود و از آنجا به هزینه خود به پاریس پرواز کرد. خانم هیلت در فرانسه به استخدام یک دانشگاه عربستان سعودی درآمد و از ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] در آنجا به تدریس پرداخت.

۱۱ - خواهان در طول اقامت خود در ایران بطور مرتب وجهی از دانشگاه دریافت نکرد. اختلافی در این نیست که این امر بدان علت بود که تشریفات مربوط به انعقاد قرارداد پایان نیافته بود و ضمناً" امور عادی تجاری عموماً" مختل شده بود. در عین حال وی دو "مساعده" در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ به ترتیب به مبلغ ۲۵،۰۰۰ ریال و ۱۰۰،۰۰۰ ریال دریافت کرد. خواهان اظهار می‌دارد که قرارداد استخدامی وی نقض شده و خساراتی به مبلغ ۹،۳۷۴ دلار امریکا برای حقوق و مزایا از ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۷ تا ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ تا هفتم فوریه ۱۹۷۹] و از جمله ۸۰۰ دلار هزینه بلیط هوایی مراجعت از ایران به ایالات متحده، مطالبه می‌کند. خواهان ادعای خود را به صورت دیگر مبتنی بر اصل اجرت المثل کرده و برای خدماتی که از ۲۷ مهر ماه تا دهم دی ماه ۱۳۵۷ [۱۹ اکتبر تا پایان دسامبر ۱۹۷۸] ارائه داشته دستمزد مطالبه می‌نماید.

سوم - صلاحیت

۱۲ - خواهان اظهار می‌دارد که به دلیل تولد در ایالات متحده، تبعه آن کشور بوده و رونوشت قسمتهای مربوطه گذرنامه خود را تسلیم کرده است. دیوان قانع شده است که خواهان در تمام مدت ذیربط تابعیت ایالات متحده را داشته است. ادعاهای خواهان به مدت لازم مستمراً" به خواهان تعلق داشته و در تاریخ بیانیه حل و فصل

پابرجا بوده‌اند.

۱۳ - خواهان اظهار می‌دارد که دانشگاه یک سازمان تحت کنترل دولت ایران بوده و مدارک مربوط به نظارت دولت بر امور مالی و حضور نمایندگان دولت را در هیئت امناء دانشگاه ارائه کرده است. خواننده به این مدارک اعتراضی نکرده است. دیوان قانع شده است که دانشگاه در ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یک سازمان تحت کنترل دولت ایران بود و بنا براین مشمول تعریف "ایران" در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می‌گردد.

۱۴ - ادعاهای خواهان براساس نقض قرارداد و مصادره اموال وی بر اثر اخراج غیرقانونی ادعایی وی از ایران می‌باشد که هر دو مورد طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد.

۱۵ - دیوان متقاعد شده است که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای فوق را دارد.

چهارم - دلایل صدور حکم

۱ - ادعای مربوط به قرارداد

۱۶ - به عنوان یک امر مقدماتی، دیوان قانع شده است که از مدارک تسلیمی خواهان محرز می‌شود که آقای جانسنز، رئیس دانشکده، حق عقد قراردادهای استخدامی را داشته است. دیوان مضافاً قانع شده است که تلگرام مورخ ۱۶ خرداد ماه ۱۳۵۷ [ششم ژوئن ۱۹۷۸] آقای جانسنز پیشنهاد استخدام از طرف دانشگاه بوده که خانم هیلت طی تلگرامی که متعاقباً در ژوئن ۱۹۷۸ مخابره کرده، آنرا قبول کرده است. قرارداد حاصله صرفاً مشروط به آن بود که خانم هیلت دوره دکتری خود را

با موفقیت به پایان برساند که این شرط انجام شد. تاریخ شروع قرارداد بدواً دهم شهریور ماه ۱۳۵۷ [اول سپتامبر ۱۹۷۸] بود. همانطور که در مکاتبات فیما بین تأیید گردیده، تاریخ فوق بعداً با تراضی طرفین به ۲۳ شهریور ماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸] تغییر یافته است. سایر شرایط قرارداد که مورد توافق قرار گرفته بود، عبارت بود از اینکه حقوق و مزایای خانم هیلت در ماه مبلغ ۱۳۶،۵۰۰ ریال باشد و دانشگاه ترتیب مسافرت هوایی وی را به ایران بدهد و هزینه آنرا بپردازد. دیوان ملاحظه می نماید که یک نسخه از فرم متحدالشکل قرارداد که ظاهراً دانشگاه برای استخدام کادر آموزشی بکار می برده است جزء سوابق این پرونده وجود دارد. لکن از آنجا که معلوم نیست خانم هیلت در چه مرحله ای از جزئیات بیشتر آن آگاهی یافته و از طرفی چون نامبرده به مفاد آن استناد نکرده است، علیهذا دیوان ترجیح می دهد که مفاد قرارداد را بر اساس مکاتبات مستقیم فیما بین طرفین، تشریح نماید.

۱۷ - خواننده برای اثبات اظهار خود که قرارداد تحقق نیافته، به قوانین ایران استناد می نماید. لکن دیوان نتیجه می گیرد که خواننده موفق به اثبات استدلال خود نشده، و به ویژه نتوانسته است این اظهار خود را ثابت کند که طبق قوانین ایران، قراردادهای استخدامی باید کتبی باشد تا معتبر شناخته شود. حتی اگر این اظهار صحیح باشد باز برای دیوان ثابت نشده که مکاتبات کتبی فیما بین طرفین چنین الزامی را ایفا نمی نماید.

۱۸ - حال که دیوان مشخص ساخته که طرفین قرارداد معتبر و قابل اجرایی منعقد ساخته اند، باید تاریخ شروع و خاتمه آنرا معین سازد. همانطور که در بالا گفته شد، طرفین موافقت کرده بودند که ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸] یعنی تاریخی که قرار بود خانم هیلت از امریکا عزیمت کند، بعنوان تاریخ شروع [قرارداد] تلقی شود. دیوان متقاعد شده است که اگر تاخیر دانشگاه در ارسال بلیط

هوایی خانم هیلت برای سفر به ایران نبود، خانم هیلت کار خود را در دانشگاه از همان تاریخ شروع می کرد. نه خواننده اشاره‌ای کرده و نه مدرکی هست که ثابت کند خواهان بنحوی از انحاء^۶ مسئول تاخیر ورود به ایران و شروع کار تدریس خود می باشد. بنابراین دیوان نتیجه می گیرد که تاریخ شروع قرارداد ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸] است.

۱۹ - در مورد خاتمه قرارداد، دیوان متذکر می گردد که دانشگاه با قصور در پرداخت حقوق ماهانه خانم هیلت، قرارداد را نقض کرده است. با آنکه ادامه این نقض قرارداد کافی بود که به اعتبار آن، خانم هیلت قرارداد را فسخ کرده و ایران را ترک گوید، معیذا وی در آن وقت چنین کاری نکرد. همچنین بنظر دیوان توصیه‌ای که به خانم هیلت دائر بر ترک ایران شد، بمنزله فسخ قرارداد از طرف دانشگاه، نیست. (رجوع شود به پاراگراف ۲۳ زیر). مدارک موجود در [پرونده] حاکی از آنست که دانشگاه از اواخر سال ۱۹۷۸ تعطیل شده و امیدی به باز شدن آن در آینده نزدیک نبود و تقریباً کلیه همکاران خانم هیلت نیز ایران را ترک می کردند. با توجه به جمیع این اوضاع و احوال، خروج خانم هیلت از ایران در ۱۵ دی ماه ۱۳۵۷ [پنجم ژانویه ۱۹۷۹] را نمی توان نقضی از جانب وی که منجر به فسخ قرارداد شود، تلقی نمود. دیوان ملاحظه می نماید که خواننده بعنوان دلیل احتمالی عدم پرداخت حقوق خانم هیلت به فورس مازور استناد نکرده و به این استدلال هم متوسل نشده است که قرارداد غیرقابل اجرا شده بوده است. براین اساس، لزومی ندارد که دیوان به بررسی این استدلالات احتمالی بپردازد.

۲۰ - علیهذا، دیوان نظر می دهد که قرارداد پس از خروج خانم هیلت نیز همچنان به قوت خود باقی بوده است. دانشگاه به وضوح تعهد خود را دائر به پرداخت حقوق خواهان، نقض کرده بود و چون منطقی^۷ امید نمی رفت که خواهان کار خود را ادامه داده یا حقوق و مزایای خود را دریافت نماید، در قبول شغل دیگر که نتیجه آن

کاهش خسارات وارده و فسخ قرارداد بوده، صحیح عمل کرده است. دیوان نتیجه می گیرد که خانم هیلت استحقاق دارد حقوق و مزایای خود را تا ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] که کار جدید خود را شروع کرد، دریافت نماید و حکمی به مبلغ ششصد و چهل و هشت هزار و سیصد و هفتاد و پنج (۶۴۸،۳۷۵) ریال منهای یکصد و بیست و پنج هزار (۱۲۵،۰۰۰) ریال مساعده‌ای که به وی پرداخت شد، یعنی جمعا" به مبلغ پانصد و بیست و سه هزار و سیصد و هفتاد و پنج (۵۲۳،۳۷۵) ریال به نفع خواهان صادر می کند.

۲۱ - خانم هیلت همچنین ادعای ۲۵٪ اضافه حقوق از ماه دسامبر ۱۹۷۸ مطالبه می کند. وی در اثبات این بخش از ادعای خود، علاوه بر مدارک خود به مقاله مجله تایم در تاریخ نوامبر ۱۹۷۸ نیز استناد می ورزد که در آن بطور کلی اشاره شده که به کارمندان دولت در ایران اضافه حقوق داده شده است. دیوان متذکر می گردد که دانشگاه در سوابق خود اطلاعاتی در اختیار دارد که این موضوع را حل می کرد ولی دانشگاه اطلاعات مزبور را ارائه ننمود. معبدا دیوان ملاحظه می نماید که رئیس بخش زبان انگلیسی دانشکده که دو شهادتنامه در تائید ادعای خانم هیلت تسلیم داشته، در هیچ جا ذکری از این اضافه حقوق یا اشاره‌ای بدان نکرده است. از طرف آقای جانسنز، رئیس دانشکده، نیز که بنا به اظهار خانم هیلت خبر اضافه حقوق را در جلسه دانشکده اعلام کرد، مدرکی در این زمینه ارائه نشده است. در این اوضاع و احوال که بنظر می رسد خواهان دسترسی به ادله موئید داشته ولی در تسلیم آنها یا ارائه هر نوع توضیحی درباره علت عدم تسلیم آنها قصور ورزیده، نظر دیوان اینستکه خانم هیلت از عهده اثبات وجود ۲۵٪ اضافه حقوق و استحقاق خود به دریافت آن برنیامده است. علیهذا، این بخش از ادعای وی رد می شود.

۲۲ - مضافاً، خانم هیلت مبلغ ۸۰۰ دلار هزینه سفر خود از ایران را مطالبه می کند و در این رابطه به این امر استناد می کند که آقای جانسنز، رئیس دانشکده، شفاها" در

به او اطمینان داده است که وجه بلیط هوایی بازگشت وی از ایران به ایالات متحده، به وی پرداخت خواهد شد. خانم هیلت در جلسه استماع تأیید کرد که این مبلغ، برآورد هزینه بلیط یکسره هوایی از ایران به ایالات متحده بوده و هزینه اضافی که وی شخصاً بابت سفر از بحرین به پاریس (که شغل جدید خود را در آنجا گرفته) پرداخت کرده عملاً "۵۰۰ دلار آمریکا بوده است. دیوان داوری ملاحظه می نماید که در بروشور استخدامی که قبل از عزیمت خانم هیلت از آمریکا برای وی ارسال گردیده بود، آمده است که دانشگاه هزینه سفر کارمندی را که پس از دو سال خدمت عزیمت می نمایند، پرداخت خواهد کرد (این حق در قرارداد متحدالشکل نیز منعکس است). دیوان در سایر مکاتبات فیما بین طرفین که به عنوان دلیل تسلیم شده، مدرکی نمی یابد که موعید این بخش از ادعای خانم هیلت باشد. نامبرده در جلسه استماع نتوانست هیچ نوع مدرک مشخصی ارائه نماید که کیفیت اطمینان شفاهی آقای جانسنز را که تحت شرایط موجود، دانشگاه هزینه بلیط بازگشت هوایی وی را پرداخت خواهد نمود، روشن سازد. این امر به انضمام اطلاعات مندرج در بروشور استخدامی، دیوان را به این نتیجه می رساند که این بخش از ادعای خانم هیلت به اثبات نرسیده و بنابراین رد می شود.

۲ - ادعای اموال شخصی

۲۳ - این بخش از ادعای خانم هیلت مبتنی بر این استدلال است که وی بطور غیرقانونی از ایران اخراج گردیده است. خواهان هزینه جایگزینی برخی لوازم منزل را که به جای گذارده، به ارزش تخمینی ۲،۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه می کند. با آنکه خانم هیلت در مدافعات خود به دو "اقدام غیرقانونی" دولت ایران استناد می کند که عبارتند از قصور در حمایت از وی در برابر خشونت‌های ضدآمریکایی و قصور در پرداخت حقوق وی، معهداً در جلسه استماع چنین استدلال کرد که به دلیل توصیه آقای سایفر، رئیس بخش زبان انگلیسی، به وی که کشور را ترک گوید، وی بطور

قانونی اخراج شده است. خواهان مدعی است که این "دستور" برای ترک کشور از این جهت غیرقانونی است که به وی فرصت سامان دادن به امور خود را نداده و بنابراین نقض معیارهای شکلی و ماهوی است که در حقوق بین المللی عرفی و عهدنامه مودت برقرار گردیده است. نیازی نیست که دیوان وارد این بحث شود که آیا مقامات یک سازمان را که از لحاظ بیانیه حل و فصل دعاوی تحت کنترل [دولت] است، می توان از لحاظ صدور دستور اخراج قانونی، نمایندگان دولت تلقی کرد یا خیر زیرا مدارک تسلیمی در این پرونده نشان نمی دهد که آقای سایفرا در واقع فرد دیگری به خواهان "دستور" ترک کشور داده باشد. مدارک تسلیمی حداکثر حاکی از آنست که رئیس دانشکده و آقای سایفر به خانم هیلت توصیه کرده اند که کشور را ترک کند. مسلماً خروج اغلب همکاران خواهان در آن وقت بیشترین تاثیر را بر وی داشته است. هیچ نشانه ای در دست نیست که آقای سایفر ضرب الاجل یا شرائطی برای خروج خواهان معین کرده باشد. دیوان متذکر می گردد که حتی اگر خواهان کماکان به اخراج بالفعل ادعایی خود استناد می ورزید، باز هم می بایست ثابت می کرد که خروج وی از ایران به دلیل اقدامات غیرقانونی منسوب به دولت ایران بوده است. رجوع شود به حکم شماره ۳-۱۱۱۳۵-۳۱۲ مورخ ۲۳ تیر ماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده الفرد ال. دلیو. شورت و جمهوری اسلامی ایران، و حکم شماره ۲-۱۰۹۱۳-۳۲۶ مورخ ۱۲ آبان ماه ۱۳۶۶ [سوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده چک رنگین و جمهوری اسلامی ایران. خواهان موفق به اثبات این امر نشده است. برعکس دیوان نتیجه می گیرد که تصمیم خانم هیلت به خروج از ایران، منبعت از اغتشاشات عمومی انقلابی بود که در آن وقت در ایران وجود داشت. براین اساس، این بخش از ادعای خانم هیلت رد می شود.

۳- نرخ تبدیل ارز

۲۴ - با آنکه در قرارداد، بصورتی که در نامه های متبادله بین طرفین مشهود است،

تصریح گردیده که [حقوق] خانم هیلت به ریال پرداخت خواهد شد، معذک خواهان مبلغ ریالی مورد ادعای خود را به نرخ هر دلار برابر ۷۰ ریال، به دلار تبدیل کرده است. چون هیچ نوع اعتراضی به نرخ مذکور به عمل نیامده (رجوع شود به ص ۳۲ حکم شماره ۱-۱۷۴-۲۰۱ مورخ ۲۷ آذر ماه ۱۳۶۴ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده هاوسینگ اند اربان سرویسز اینترنشنال، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، و ص ۲۶ حکم شماره ۲-۹۷-۲۳۲ مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [دوم مه ۱۹۸۶] صادره در پرونده ریچارد دی. هرزاه و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران، و سایرین، و با توجه به این واقعیت که نرخ مذکور مطابق با نرخ تبدیل رایج در آن زمان است (رجوع شود به ص ۱۹ حکم شماره ۳-۱۰۳۳۵-۱۰۳۳۲ مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [هشتم مه ۱۹۸۶] صادره در پرونده تئودور لاث و جمهوری اسلامی ایران، و ص ۱۴ حکم شماره ۲-۱۷۹-۲۳۴ مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [هشتم مه ۱۹۸۶] صادره در پرونده اهفی پلنینگ اسوشی ایتس، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، و سایرین، نظر دیوان این است که نرخ تبدیلی که خواهان به کار برده صحیح است. مبلغ ۵۲۳،۳۵۷ ریال که دیوان بنفع خواهان حکم داده تبدیل به ۷،۴۷۶/۷۹ دلار می شود و بنابراین دیوان این مبلغ را حکم می دهد.

پنجم - هزینه ها

۲۵ - هر یک از طرفین باید هزینه های دآوری مربوط به خود را تقبل نماید.

ششم - بهره

۲۶ - به منظور پرداخت کامل مبلغی که خواهان طلبکار محسوب گردیده، دیوان دآوری حکم به پرداخت بهره ساده به نرخ ۱۰/۵ درصد از ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [هفتم

فوریه ۱۹۷۹] که بنظر دیوان، از تاریخ یاد شده قرارداد فسخ گردیده، صادر می‌کند.

هفتم - حکم

۲۷ - بنا به مراتب پیش گفته،

دیوان حکمی به شرح زیر صادر می‌کند:


(الف) خواننده، دانشگاه شهید چمران، ملزم است مبلغ هفت هزار و چهارصد و هفتاد و شش دلار و هفتاد و نه سنت (۷،۴۷۶/۷۹ دلار امریکا) به اضافه بهره ساده به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند، به خواهان کترین فی هیلت، پرداخت نماید. تعهد مذکور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند هفت بیانیه مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایفاء خواهد شد.

(ب) بقیه دعاوی به دلائل ماهوی رد می‌شوند.

(ج) هر یک از طرفین باید هزینه داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

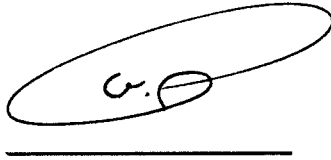
(د) بدینوسیله این حکم جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری
تسلیم می شود.

لاہء، به تاریخ ۲۶ اسیفند ماہ ۱۳۶۶ برابر با ۱۶ مارس ۱۹۸۸

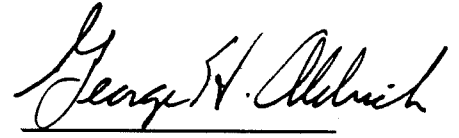


روبرت برین
رئیس شعبہ دو

بنام خدا



حمید بہرامی احمدی
رائف ہاشمی - عزت ہاشمی



جرج اچ آلدریچ